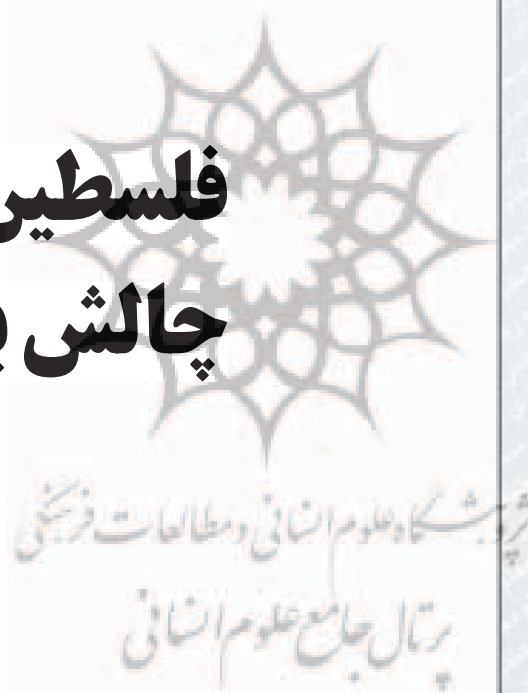


سخنانه
مقام معظم رهبری
حضرت آیت الله خامنه‌ای

فلسطین چالش بشریت



اشاره:

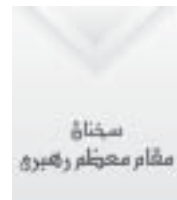
مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) خطبه دوم نماز جمعه روز شانزدهم فروردین ۸۱ را به رویدادهای خطر فلسطین در هفته‌های اخیر و نسل‌کشی ملت فلسطین ویژه کردند و در حضور پرشکوه مردم در مصلاهی دانشگاه تهران چنین فرمودند:

مسئله‌ی امروز ما که مایلیم در خطبه‌ی دوم به آن پردازیم، مسئله‌ی بسیار مهم فلسطین و فاجعه‌ای است که این روزها در سرزمینهای فلسطینی نشین از کشور عزیز اسلامی فلسطین، جریان دارد. قبل از شروع این بحث، مجدداً همه را به تقوای الهی توصیه می‌کنم. در همین بحثی که می‌کنیم، خدا را همه مان در نظر می‌گیریم که آنچه وظیفه‌ی ماست، آن را بر زبان بیاوریم و در عمل بدان، اقدام کنیم.

آنچه که امروز در سرزمینهای فلسطینی نشین کشور فلسطین جریان دارد، یک فاجعه‌ی انسانی کم نظیر است. در طول تاریخ فلسطین هم، ما شبیه این را سراغ نداریم با این شدت، با این خشونت، با این قساوت. جنایاتی که در فلسطین دارد اتفاق می‌افتد، حقیقتاً تکان دهنده است. دولت جعلی صهیونیست با امکانات نظامی، با تانک، با سرباز - شنیده‌ام در حدود ۳۰ هزار نیرو و صدها تانک وارد کرده است - وارد شهرها و خیابانها می‌شوند و فاجعه‌آفرینی می‌کنند. شهرهای: رام‌الله، نابلس، غزه، خان یونس، بیت‌الحم، رفح و دیگر مناطق فلسطینی نشین، همه دچار این مصیبتند. کاری می‌کنند که شبیه این کار را ما در دوره‌های نزدیک به خودمان با این شدت و خشونت در هیچ جا سراغ نداریم؛ خانه‌ها را ویران می‌کنند، با تانک و بلدوزر به جان خانه‌های محقر فلسطینی‌ها می‌افتند. چه در این شهرها، چه در اردوگاهها - خانواده‌ها را آواره می‌کنند. مرد و زنی که دم تیغشان بیاید، می‌کشند؛ هیچ ملاحظه نمی‌کنند. شنیده‌ام جوانها را و مردان را - از سنین ۱۳ سال تا ۵۰ سال - دستگیر می‌کنند و تعداد زیادی از مردان این خانواده‌ها، بخصوص جوانان و نوجوانان را دستگیر کرده و به مناطقی برده‌اند که معلوم نیست کجاست. خبرهایی که از داخل بازداشتگاهها بعضاً به بیرون درز کرده است که در مطبوعات دنیا منعکس شده، خبر می‌دهد که اینها را شکنجه و آزار می‌کنند، و حتی در داخل این بازداشتگاهها هم به آنها دستبند می‌زنند. به مسجدها و کلیساها در بیت‌الحم حمله کرده‌اند، از رساندن آمبولانس، از رساندن آذوقه و دارو به مردمی که مجروح می‌شوند جلوگیری می‌کنند. آن طوری که نقل کرده‌اند، بسیاری از مجروحان این حوادث بر اثر خون‌ریزی و بی‌داری، از بین رفته و به شهادت رسیده‌اند. حتی بیمارستانها و داروخانه‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهند. مراکز و مغازه‌هایی که در آن مواد غذایی هست، غارت می‌کنند. مردم در رام‌الله و بعضی شهرهای دیگر، جرئت بیرون آمدن از خانه‌های خودشان را ندارند. زنها، بچه‌ها، این خانواده‌های آواره شده؛ کسانی که مجبورند چون سقف خانه‌شان فرو ریخته است به خانه‌ی خویشاوندانشان و دیگران بروند، خدا می‌داند اینها با چه مصیبتی، با چه سختی زندگی می‌کنند. آب و برق را در بعضی از این شهرها قطع کرده‌اند. وقاحت را به جایی رسانده‌اند که در شهر رام‌الله، به مقر اقامتگاه رئیس حکومت خودگردان حمله کرده‌اند و آنجا را تصرف کرده‌اند. یعنی، همان حکومتی که خودشان او را به رسمیت شناخته‌اند، خودشان قرارش را بسته‌اند و خودشان امضا کردند. وضع عجیبی به وجود آورده، و صدای دنیا را درآورده‌اند. سیاستمدارانی که به خاطر رودربایستی از صهیونیستها حاضر نبودند یک کلمه علیه دولت صهیونیستی حرف بزنند، حالا

صریحاً اعتراض می‌کنند. ملت‌های مسلمان در همه جا خشمگینند و دارند می‌جوشند. اگر جلوی ملت‌های مسلمان و ملت‌های عرب را حکومت‌هایشان نمی‌گرفتند، آن وقت دیده می‌شد که این یک میلیارد مسلمان چه می‌کند و چه می‌تواند بکند. مسئله این است که نماد خونخواری و وحشی‌گری و درزندگی و بی‌اعتنایی به همه‌ی موازین بشری، حقوق بشر و ارزشهای بشری، در یک طرف - که همین نظامیان صهیونیستند - و نماد مقاومت قهرمانانه و مظلومانه در یک طرف - که ملت مظلوم فلسطینند -؛ اینها در مقابل هم ایستاده‌اند. من وجدان جهانی را به داوری و قضاوت دعوت می‌کنم. همه‌ی حرف‌هایی که به عنوان تحلیل سیاسی، راه حل و به عنوان توصیه می‌زنند، در مقابل این واقعیت، افسانه و موهوم است. واقعیت این است: یک ملتی در خانه‌ی خود تحقیر می‌شود، دستگیر می‌شود، کشته می‌شود، جوانش از او گرفته می‌شود، امنیت جان و مال و مسکنش به وسیله‌ی غاصب‌های همان سرزمین تهدید می‌شود. حالا، وجدان جهانی قضاوت کند؛ اینجا حق با کیست و وظیفه‌ی انسانها چیست؟ ما به هیچ چیز دیگری احتیاج نداریم؛ همین واقعیت را مقابل خودشان بگذارند، ببینند چه اتفاقی در حال وقوع است؟ در اول کار که همین صهیونیستها ۵۴ سال قبل سر کار آمدند، نگذاشتند که دنیا بفهمد که اینها دارند چه فجایعی انجام می‌دهند. اما، امروز دنیا دارد می‌بیند. البته، تلویزیونها و دوربینها قادر نیستند حقیقت را نشان بدهند؛ فقط یک بخشی از حقیقت، یک تصویر و یک شبیحی از حقیقت را نشان می‌دهند. حقیقت خیلی بیشتر از اینها، و خیلی تلختر از اینهاست. واقعیت را از روی همین فیلم‌های تلویزیونی که در دنیا دارد پخش می‌شود - آنجایی که پخش می‌شود - قضاوت کنند. البته، صهیونیستها که بسیاری از دستگاه‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ها در قبضه‌ی قدرت آنهاست، زیر نفوذ و یا متعلق به آنهاست، نمی‌گذارند حقایق روشن بشود. اما، مردم جستجو کنند؛ ملت‌های دنیا جستجو کنند. این، واقعیت قضیه است. این، مسئله‌ای است که این روزها دارد اتفاق می‌افتد، مربوط به تاریخ گذشته نیست؛ متعلق به همین زمانی است که من و شما اینجا داریم با هم حرف می‌زنیم.

به کلیساها حمله کرده‌اند. خب، مسیحیان دنیا حداقل از آن کشیش مسیحی دفاع کنند، که در همین روزهای گذشته در حین انجام مراسم عبادی خودش کشته شد؛ او که در محاصره‌ی کلیسا در بیت‌الحم و حمله‌ی صهیونیستها به کلیسا و کسانی که در آن کلیسا پناه آوردند، جان خود را از دست داد. اینجا مسئله، مسئله‌ی اسلامی نیست، مسئله‌ی بشری است، مسئله‌ی انسانی است؛ اینجا ملاک قضاوت، انسان بودن است، فهمیدن ارزشهای انسانی است. خب، این، واقعیت. البته، بعضی از دولتها در اروپا و غیراروپا موضعگیری کرده‌اند، حالا، هرچند ضعیف هم بوده است، ولی بالاخره یک موضعی نشان دادند، یک اخم مختصری نسبت به اسرائیل کردند. اما موضع آمریکا: آمریکا در این قضیه بدترین موضعگیری را کرد؛ دیگر از این بدتر امکان ندارد. در این هفت هشت ده روزی که این حوادث شدت فوق‌العاده‌ای گرفته است، تا به حال رئیس‌جمهور آمریکا دو سه مرتبه صحبت کرده است که آخرین مرتبه، همین صحبت

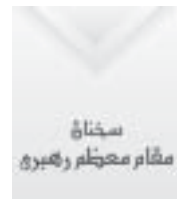


در این دانسته‌اند که بیایند بیرون. کی حاضر است جوانش برود در یک واقعه‌ی خونین، و یک ساعت دیگر به قتل برسد. اینکه یک مادر، جوان خودش را در آغوش می‌گیرد، می‌بوسد اما گریه نمی‌کند، می‌گوید من این را می‌فرستم، شما ببینید بر سر این مادر، شما چه آورده‌اید؟ شما ببینید بر سر این ملت چه آورده‌اید که حاضر است به این نحو جوانش را به میدان بفرستد و می‌گوید اگر صد جوان هم داشته باشم، می‌فرستم که این جور کشته بشوند. شما با این ملت چه کرده‌اید که یک دختر هفده هجده ساله حاضر است به خودش بمب ببندد و برود در بین دشمنان صهیونیست، خودش را از بین ببرد که آنها از بین بروند. همه‌ی راهها را جلوی اینها بسته‌اید، آن وقت می‌گویید دولت اسرائیل دارد از خودش دفاع می‌کند. دفاع این است؟ این حرف منطقی است؟ این حرف شایسته‌ی یک رئیس‌جمهور است؟ این حرف شایسته‌ی آن دولتی است که خودش را رهبر دنیا می‌داند، و می‌گوید همه‌ی دنیا باید از من اطاعت کنند؟ مردم دنیا بیایند از این برهان سخیف و از این منطق ضعیف پشتیبانی و اطاعت کنند؟ یک ملت را تحقیر کرده‌اید، با حيله و خشونت خانه‌اش را از او گرفته‌اید، زندگی‌اش را تباہ و سیاه کرده‌اید، روزانه او را تحقیر می‌کنید؛ از این شهر به آن شهر که می‌رود، در خانه‌ی خود، و در کشور خود باید به وسیله‌ی بیگانه‌ها کنترل بشود. یک وقت اگر هجوم بیاورند یکی را بکشند، هیئت دولتشان می‌نشینند، تصویب می‌کنند که این آدمها را هر جا دیدید ترور کنید. دنیا چنین چیزی را دیگر کجا سراغ دارد؟ غیر از این صهیونیستها؟ آن وقت به این ملت می‌گوید تروریست. و به این تروریستهای وقیح و درنده و مفتضح می‌گوید: دارند از خودشان دفاع می‌کنند. آیا می‌شود دولت آمریکا موضعی بدتر از این بگیرد؟ اقدام اسرائیل هم با همین تأییدهای آمریکا شروع شد. اگر آمریکا تأیید نمی‌کرد، اگر چراغ سبز نشان نمی‌داد، اگر قول حمایت نمی‌داد، اینها جرئت نمی‌کردند این جور وارد بشوند. پشتشان به حمایت‌های بی‌منطق آمریکا گرم است. لذا دارند این همه جنایت می‌کنند. بنابراین آمریکا در همه‌ی جنایاتی که امروز در فلسطین اتفاق می‌افتد، شریک است؛ شریک جرم است توجه کنید! انتفاضه‌ی ملت فلسطین، قیام یک ملت است. ملت فلسطین دست خود را از آستین بیرون آورده است، این را به گردن این و آن نیندازید. یک ملت قیام کرده، شرف و عزت او و هویت و آگاهی او، او را به میدان کشانده، حال به اینها می‌گویید تروریست؟ اینها تروریستند؟! اگر دولت اسرائیل ادعا می‌کند که با یک گروه معدودی مواجه است، پس چرا وارد خانه‌ی مردم می‌شوند؟ چرا خانه‌ها را ویران می‌کنند؟ چرا در کوچه و بازار، این همه جنایت آفرینی می‌کنند؟ بروید با همان گروه معدود روبرو بشوید. زن و بچه‌ی مردم چه گناهی کرده‌اند؟ منطق غلط اندر غلط، مقدمات غلط، استنتاج غلط؛ آن وقت این را یک رئیس‌جمهور جلو چشم مردم دنیا بر زبان جاری می‌کند، برای خالی نبودن عریضه، این دولت و آن دولت جمهوری اسلامی و عراق و سوریه و دیگران را هم متهم می‌کند. اینها آمریکا را در چشم مردم جهان منفور می‌کند. اینها توجه ندارند. امروز در دنیای

دیروز است که سخنرانی مفصلی کرده است؛ تقریباً یکسره در حمایت از عملیات و کارهای اسرائیل. برای خالی نبودن عریضه، در خلال این سخنرانی و حمایت‌های فراوانی که از جنایتکاران صهیونیست می‌کند، این را هم می‌گنجانند که بله دولت اسرائیل در مناطق فلسطینی نشین، شهرکهای یهودی نسازد. خوب، خودش هم می‌داند، همه‌ی دنیا هم می‌داند که این یک توصیه‌ی دروغین و صوری و سطحی است. سالهاست مجامع جهانی تصویب کرده‌اند، مراکز قدرت جهانی و سیاست جهانی گفته‌اند که اسرائیلیها حق ندارند در مناطق فلسطین نشین، شهرک یهودی نشین بسازند. همین درنده‌ای که امروز در فلسطین اشغالی در رأس قدرت است، همین شخص، آن وقت وزیر مسکن بود، مقابل همه‌ی اینها ایستاد و گفت من می‌سازم و ساخت و تا الان هم ادامه دارد. چه کسی این حرفها را گوش می‌کند؟ خودش هم می‌داند که گوش نمی‌کنند. یکسره حمایت از صهیونیستها، آن هم با منطق ضعیف، با منطق غلط و غیرقابل قبول برای افکار مردم جهان. این رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، متأسفانه از اولی که سرکار آمده تا حالا با هر سخنرانی و با هر اقدام خودش، یک ضربه‌ای به صلح و امنیت جهانی زده است. تصمیمهایی که گرفته است، همه بر ضد صلح و امنیت جهانی است؛ از پیمان حفظ محیط زیست که یک پیمان جهانی بود در کیوتو و رئیس‌جمهور قبلی آمریکا آن را امضا کرده بود، خارج شد. از پیمان محدودکردن سلاحهای ضدموشکی خارج شد، و کارهای اتمی و فعالیتهای ساخت اتمی‌اش را توسعه داده و علناً و صریحاً هم آن را اعلان می‌کند. بعد از قضیه‌ی ۲۰ شهریور نیویورک، هر مرتبه که سخنرانی کرده است یا دنیا را تهدید کرده و یا ملتها را تحقیر کرده، یا ملت آمریکا و ملت‌های غربی را به تفرز از مسلمین و عموم شرقها دعوت کرده و یا خبر از حملات آینده‌ی خودش به اینجا و آنجا داده و یا کشورها را به حمله‌ی اتمی تهدید کرده، حرفها و موضعگیریهای او دقیقاً نقطه‌ی مقابل صلح و امنیت جهانی است. چه کسی دارد اینها را اداره می‌کند؟ جای تأمل و تفکر است. چه کسی دارد این آدمهای تازه وارد در میدان سیاست و جاه طلب و بی‌خبر از معنویت را به سوی این وضعیتی را که دارند پیش می‌آورند، هدایت می‌کند؟ خیلی در خور تأمل است. از حرکات حکومت غاصب اسرائیل دفاع کرده و می‌گوید که اسرائیل دارد از خودش دفاع می‌کند. اسرائیل این کشتارها را انجام می‌دهد، و او می‌گوید اسرائیل دارد از خودش دفاع می‌کند و کار او را مبارزه با تروریسم به حساب می‌آورد. آیا کشتن زن و کودک جوان، خراب کردن خانه‌های گلی فلسطینیان با بلدورز، این دفاع از خود است؟ آن کسی که از خود دفاع می‌کند، ملت فلسطین است. آن کسی که از جور و ستم غاصب اشغالگر به جان آمده است، او همین زن و مرد فلسطینی‌اند که دیگر به جان آمده و قدرت تحملشان را از دست داده‌اند، و راه چاره را

اسلام، هیچ دولتی منفرتر از دولت آمریکا نیست. همین رئیس جمهور آمریکا که در یک سخنرانی با مردم خودش صحبت می کرد، - آن وقتی که می خواستند به افغانستان حمله کنند - گفت کسانی هستند دچار نفرتند. بله، مخصوص مردم افغانستان هم نبود، بعد خودشان آمارگیری و نظرخواهی کردند، و در مطبوعات هم منتشر شد. در همه ی کشورهای اسلامی و عربی تقریباً معلوم شد که اکثریت قاطع مردم، از آمریکا متنفرند. اما، این نفرت برخلاف آنچه که او ادعا می کرد، نفرت از علم نیست، نفرت از تمدن نیست. می گوید اینها با تمدن طرفند، با علم طرفند. نه خیر، یا بد فهمیده ای یا خلاف واقع بیان می کنی. مردم از علم، از تمدن متنفر نیستند. مردم کشورهای اسلامی از مردم آمریکا هم متنفر نیستند. این تنفر متوجه است به هیئت حاکمه ی آمریکا، رئیس جمهور آمریکا و کسانی که پشت سر اینها سیاستهای آمریکا را تنظیم می کنند. مردم از اینها متنفرند. خوب، منطبق امروز آمریکا این است که دنیا را باید با زور اداره کرد. می گویند زور داریم، سلاح داریم، دنیا را با زور و ادار می کنیم که آنچه که ما می خواهیم، همان را قبول کنند و عمل کنند. اما، اشتباه می کنند؛ نمی شود، چنین چیزی امکان ندارد. قبل از اینها هم در طول تاریخ در دنیا و حتی در زمان خود ما، کسانی بوده اند که خیال می کردند آسیب پذیرند، خیال می کردند با زور و سرنیزه می شود بر ملت خودشان یا ملت های دیگر سوار شد و حکمرانی کرد. دنیا هیتلرها را دیده است، رهبران اوایل کار شوروی را دنیا دیده است، دنیا بعضی از قدرتهای دیگر را هم این زمان و قبل از این زمان دیده است؛ اینها شکست خوردند. خود آمریکاییها در ویتنام همین را تجربه کردند. آن روزی که بعد از خارج شدن فرانسویها آمریکا وارد ویتنام شد، قدرتمندان و سیاستمداران آمریکا شک نداشتند که با پیروزی خارج خواهند شد. یک هفت، هشت، ده سال آنجا با قدرتمندی ظاهری مردم را کشتند، اذیت کردند، مزارع را نابود کردند، آخر با خجالت و فضاحت در سال ۱۳۵۴ شکست خورده از ویتنام خارج شدند. همه ی دنیا هم گفتند و قبول کردند و اعتراف کردند که اینها شکست خوردند. ویتنام یکپارچه در اختیار مردم ویتنام ماند، و اینها مجبور شدند بیرون بروند. اینها نمی دانند که قدرتی وجود دارد، که بالاتر از قدرت سلاح آنهاست؛ و آن، قدرت ملت است، قدرت انسان است. هر ملتی که به یک مبدأ و به یک منطق و به یک مبنای فکری اعتقاد داشته باشد و با عزم راسخ پای آن منطق بایستد، هیچ قدرتی، چه قدرت اتمی و چه بالاتر و پایین تر از اتم، نمی تواند این ملت را مقهور کند. اینها قدرت ملتها و قدرت خداوند قادر متعال را که پشت سر اراده و عزم و اقدام ملتهاست، دست کم گرفته اند: «کلاً نمد هؤلاء هؤلاء». هر گروهی که برای اهدافی که به آن ایمان دارند کار کنند، خدای متعال آنها را کمک و مدد خواهد کرد. اگر آنها مؤمن به خدا باشند، آن وقت درآویختن با آنها و شکست دادن آنها ده برابر مشکلتر هم می شود؛ مگر آسان است؟ هرکسی با این نیرو، با نیروی ملتها و انسانها درافتاد، خرد می شود. آمریکا هم خرد خواهد شد. اینها می خواهند قدرت مقاومت ملت فلسطین را نابود کنند؛ و نمی توانند. خوب، حالا بالاخره چه

خواهد شد؟ این حادثه ای که امروز اتفاق افتاده است، ظواهری دارد و بواطنی. ظواهرش همین است که گفتیم. یک گروهی با زور و سرنیزه و تفنگ و تانک و پشتیبانی سیاسی آمریکا، به جان زن و مرد و پیرزن و کودک و غیره افتاده است. آنها را می کشند، خانه شان را ویران می کنند، دستبند به دستشان می زنند، تحقیرشان می کنند، آنها را با اهانت از خانه و زندگی شان دور می کنند، خانواده ها را آواره می کنند. این ظاهر قضیه است. اما باطن قضیه، این است که همین قدرت به ظاهر مسلط، دارد در درون خود ذوب می شود، دارد آب می شود. ملت فلسطین تصمیم گرفته است سازمانهای مبارز فلسطینی، اعم از سازمان فتح، سازمان حماس، جبهه ی خلق، جهاد، حزب الله و دیگران، دستشان را روی هم گذاشته و تصمیم گرفته اند، همه به یک نتیجه رسیده و راه فداکاری را پیدا کرده اند، فهمیده اند که راه نجات فلسطین، آماده شدن برای فداکاری است. شهادت را تجربه کرده و فهمیده اند که دشمن در مقابل شهادت و شهادت طلبی و نترسیدن از مرگ، ناتوان است. یاسر عرفات هم پیغام داده است که من آماده ی شهادتم. این تصمیم خوبی است. امیدواریم که ایشان از این تصمیم منصرف نشود، و پای این حرف بایستد. آن کسی که در راه خدا شهید می شود او می ماند. فکر او و شخصیت او می ماند. اما آن کسی که با اختیار خود به سمت فداکاری برای آرمانش نمی رود، ممکن است که جسمش چند صباحی زنده بماند، اما شخصیت و هویت او از بین می رود. شهادت؛ این را مردم فلسطین پیدا کرده اند. امیدواریم که مسئولان حکومت خودگردان هم همان طور که گفتند، پای این حرف بایستند و با مردم خودشان در این راه همراهی کنند. تسلیم نشوند. دشمن روز به روز، رو به ضعیفتر شدن است. همه ی امید تندروان صهیونیست، به همین درنده ای بود که امروز در رأس قدرت و در رأس دولت و در آن حکومت جعلی و دروغین است. امیدشان به این بود که این با چکمه ی آهنین بیاید، و با مشت پولادین و سرنیزه بتواند مردم فلسطین را که به پا خاسته اند، به زانو درآورد و انتفاضه را خاموش کند. لکن از روزی که این آمده است، روز به روز انتفاضه شعله ی بیشتری پیدا کرده است، این، آخرین امیدشان بود. در داخل خودشان، الان اختلاف هست. آن کسانی که از راههای دور آمده بودند تا در این سرزمین مغضوب و کشور مغضوب، با امنیت زندگی کنند، حالا دارند برمی گردند؛ خیلیهایشان دارند برمی گردند، و دیگر کسی جرئت نمی کند بیاید. بی روحیه اند، احساس ضعف می کنند و بین خودشان اختلاف هست، از آینده ی خودشان ناامیدند، افق روشنی در آینده ی خودشان نمی بینند. این صهیونیستهای غاصب، سراسیمه و شتابزده اند و کارهایشان و حرفهایشان این را نشان می دهد. اگر این حوادث برای ملت فلسطین تلخ و اندوهبار است، برای دشمن آنها هم خیلی تلخ است. این آیه ی شریفه ی قرآن چقدر گویاست: «ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون و ترجون من الله ما لایرجون». اگر شما در این مبارزه دچار درد و الم می شوید، دشمن هم دچار درد و الم می شود؛ او هم زخم می خورد، سخت تر از شما. تفاوت در این است که ملت فلسطین افق



مذاکرات بین‌الدولی این را تکرار کرده است. الان هم، ما همان را می‌گوییم و بر آن هم اصرار می‌ورزیم؛ راه حل نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه‌ی کسانی که از فلسطین آواره شده‌اند - البته آنهایی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه‌ی خودشان برگردند. این یک امر منطقی است. این کسانی که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه‌ی کشورهای عربی سرگردانند، اینها به کشور و به خانه‌ی خودشان، به فلسطین خودشان برگردند. آنهایی که مایلند؛ نمی‌گوییم کسی را به زور بیاورند. و آن کسانی که قبل از ۱۹۴۸ - که تشکیل دولت جعلی اسرائیل است - در فلسطین بوده‌اند - چه مسلمانان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان - از اینها نظرخواهی بشود. اینها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند؛ این دموکراسی است. چطور برای همه‌ی دنیا دموکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دموکراسی خوب نیست؟! چطور همه‌ی مردم دنیا حق دارند که در سرنوشت خود دخالت کنند، اما مردم فلسطین حق ندارند؟! هیچ کس شک ندارد رژیمی که امروز در فلسطین سر کار است، یک رژیمی است که با زور، با حيله و ترفند و با فشار روی کار آمده است؛ در این کسی شک ندارد. صهیونیستها با مسالمت نیامده‌اند؛ مقداری با حيله و ترفند، و مقداری با زور سلاح و فشار سر کار آمدند. لذا، یک رژیم تحمیلی است. خیلی خوب، مردم فلسطین جمع بشوند، رأی بدهند، نوع رژیمی را که در این کشور باید حاکم باشد، آن را انتخاب کنند. آن رژیم، آن دولت، تشکیل بشود، درباره‌ی آن کسانی که قبل از ۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آمده‌اند، تصمیم‌گیری کند؛ هرچه تصمیم گرفت. اگر تصمیم گرفت بمانند، پس بمانند، اگر هم تصمیم گرفت بروند، پس بروند. این، هم آرای مردم است، هم دموکراسی است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیاست. این راه حل. خب این راه حل باید اجرا بشود. غاصب که با زبان خوش، این راه حل را قبول نمی‌کند. اینجاست که همه‌ی اطراف قضیه باید خودشان را مسئول بدانند؛ هم دولتهای عربی، هم دولتهای اسلامی، هم ملت‌های مسلمان در همه‌ی دنیا، هم بخصوص خود ملت فلسطین و هم مجامع جهانی، هر کدام مسئولیتی دارند که اصرار بورزند این راه حل منطقی باید تحقق پیدا کند؛ و می‌شود تحقق پیدا کند. بعضیها نگویند آقا! چنین چیزی خواب و خیال است، ممکن نیست. نخیر، می‌شود. کشورهای دریای بالتیک بعد از بیش از ۴۰ سال که جزو شوروی سابق بودند، برگشتند و مستقل شدند. کشورهای قفقاز بعضی در حدود صد سال قبل از اینکه شوروی تشکیل بشود، در اختیار روسیه‌ی تزاری بودند، بعد برگشتند و مستقل شدند، الان قزاقستان، آذربایجان، گرجستان و بقیه، مستقلند؛ خودشان هستند. پس، این ممکن است. این جور نیست که این یک چیز نشدنی باشد؛ نخیر، شدنی است. منتها اراده و عزم لازم دارد. جرئت و دلیری لازم دارد. کی باید دلیری به خرج بدهد؛ ملت‌ها یا دولتها؟ ملت‌ها دلیرند، ملت‌ها نمی‌ترسند؛ ملت‌ها نشان داده‌اند که آماده‌اند. پس، دولتها اینجا وظیفه دارند؛ در رأس همه و مقدم بر همه، دولتهای عربی. این نشست سران عرب در بیروت، نشست خوبی نبود. اینها می‌توانستند از این اجلاس استفاده‌ی خیلی

روشنی در مقابل دارد، لکن غاصب صهیونیست این افق روشن را ندارد. ملت فلسطین افق روشن دارد که می‌تواند خودش را به آنجا برساند؛ با تلاش و سعی و کوششی که همه بکنند. خب، حالا راه حل چیست؟ ما برای این قضیه راه حل داریم. این راه‌هایی که ارائه می‌شود، اینها راه حل نیست. فلسطین در ۵۰ سال اخیر، یک مسئله‌ی مهم دنیا و خاورمیانه بوده است. برای اینکه این مسئله‌ی مهم، این مشکل مهم حل بشود، دو جور راه حل همیشه پیشنهاد شده است: یک راه حل غلط، یک راه حل درست. راه حل غلط، این است که با همین غاصبی که نه به ارزشهای انسانی پایبند است و نه به قوانین بین‌المللی، و نه به قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی گردن می‌نهد، بیایند با همین مذاکره کنند و با او به یک نقطه‌ی توافق برسند. این راه حل، راه حل غلطی است. این به هر شکلش ظاهر بشود، غلط است. اسرائیل نشان داده است که به هیچ امضای خود پایبند نیست؛ اگر توافق هم بکنند، امضا هم بکنند، پایبند نمی‌ماند. بزرگترین و قویترین استدلال بر این معنا هم، همین وضع امروز رام‌الله است. خب، خودشان نشستند در اسلو امضا کردند، حکومت خودگردان را به رسمیت شناختند. حالا بفرمایید؛ این رفتاری است که دارند با حکومت خودگردان و با طرف مذاکره‌شان - یعنی یاسر عرفات - انجام می‌دهند. اینها به امضای خودشان پایبند نیستند. هر امضایی که طرف مقابل به اینها بدهد، ایشان را می‌گذارند روی آن امضا، یک قدم می‌آیند جلو؛ طبیعتشان این است. این راه حل، راه حل درستی نیست. البته، من این مطلبی که دارم می‌گویم، طرف خطاب من آن کسانی نیستند که می‌خواهند به هر قیمتی شده، این غده‌ی سرطانی را حفظ کنند. آنها این حرف را قبول نمی‌کنند؛ ما این را می‌دانیم. لکن طرف خطاب من، دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملت‌های مسلمان، و وجدانهای بیدار در همه جای دنیاست. من دارم با آنها حرف می‌زنم. این راه حل که یک طعمه‌ای در دهن این متجاوز بیندازند که او را فربه‌تر کنند تا قادر بشود که قدم بعدی را بردارد، این راه حل نیست. این تجربه‌ی ۵۰ ساله‌ی فلسطین است. قطعنامه‌های صادر شده در سازمان ملل، هرچند آمریکا هم که مدافع صهیونیستها بوده به ظاهر پای آن قطعنامه‌ها را امضا کرد، اما این غاصب به این قطعنامه‌ها عمل نکرد، و کسی هم نگفت بالای چشمش ابروست. با این جور دولتی، با این جور طرفی، انسان چه مذاکره‌ای بکند؟ این راه، راه حل غلطی است؛ این راه حل درستی نیست.

اما برای این مسئله، راه حل منطقی وجود دارد. راه حل منطقی، یک راه حلی است که همه‌ی وجدانهای بیدار دنیا و همه‌ی کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند. و آن، این است که ما یک سال و نیم قبل هم این راه حل را گفتیم، و دولت جمهوری اسلامی بارها در مجامع و در

بزرگی بکنند؛ فقط به سود فلسطین نبود، به سود خود دولتهای عربی هم بود. امروز، دولتهای عرب می‌توانند جلو بيفتند و محبوبیت و حمایت ملت خودشان را کسب کنند در این قضیه ی فلسطین. اگر دولتی، حکومتی مورد حمایت مردم خود باشد، دیگر آمریکا نمی‌تواند با او کاری بکند، دیگر از آمریکا نخواهد ترسید، دیگر لازم نمی‌داند که ملاحظه ی آمریکا را بکند. در این قضیه، دولتهای عرب خیلی کارهای خوب می‌توانستند بکنند، و می‌توانند بکنند.

من این جور به نظر می‌رسد، از جمله کارهای مهمی که دولتهای عرب می‌توانند بکنند - آنهایی که صادرکننده ی نفتند - از نفت استفاده کنند. این حرفی که غریبها در دنیا به راه انداخته اند که از سلاح نفت استفاده نکنید، این حرف، حرف درستی نیست. نفت مال ملت‌هاست، باید به سود خودشان از آن استفاده کنند. آمریکاییها از گندم و محصولات غذایی به عنوان سلاح استفاده کردند، در خیلی جاهای دنیا هم می‌کنند، چرا کشورهای اسلامی و عربی این حق را نداشته باشند؟ یک ماه - فقط یک ماه - به صورت نمادین، به صورت سمبلیک، نفت را به همه ی کشورهایی که با اسرائیل روابط حسنه دارند، قطع کنند. امروز دنیا حرکت را - حرکت کارخانه ها را - روشنایی را، انرژی را، - انرژی برق را - و حرارت را، این سه عنصر اصلی زندگی خودش را از نفت ما دارد. اگر نفت ما در اختیار آنها قرار نگیرد، حرکت کارخانجات، روشنایی و حرارت متوقف خواهد شد. مگر، این چیز کمی است؟ دولتهای عرب برای خاطر خودشان این کار را بکنند؛ یک ماه، نه اینکه دائم. یک ماه به صورت نمادین به عنوان حمایت از مردم و ملت فلسطین، این کار را بکنند؛ دنیا تکان می‌خورد. این از کارهایی است که می‌توانند بکنند.

کار دیگری که می‌توانند بکنند، این است که تمام روابط و قراردادهای سیاسی و اقتصادی خودشان را با این دولت صهیونیست قطع کنند، هیچ همکاری نکنند؛ ملت‌های عرب از این خوشحال خواهند شد. ملت‌های عرب پشت سر آن دولتهایی قرار خواهند گرفت که این اقدام شجاعانه را بکنند. وای به حال آن دولتی که ملتش بفهمد که این از پشت سر، با اسرائیل رابطه ی اطلاعاتی و امنیتی و اینها دارد. ملت‌ها این را می‌خواهند. دولتهای اسلامی هم موظفند؛ آنها هم وظیفه شان کمتر از دولتهای عربی نیست؛ چون این قضیه، قضیه ی عربی نیست. این قضیه، فراتر از اینهاست؛ یک قضیه ی انسانی است و اسلامی است. دولتهای اسلامی هم هر کدام که تواناییهای نفتی و امثال آن را دارند، همین جور می‌توانند عمل بکنند. این کنفرانسی که وزرای خارجه در مالزی داشتند، این هم کنفرانس خوبی نبود. البته، اظهار موضعی کردند، اظهار وجودی کردند، اما ضعیف بود؛ بایستی از این قویتر اینها اقدام می‌کردند. این همه دولت اسلامی، این همه کشور اسلامی، برادران مسلمانان آن جور گرفتار؛ باید اینها اقدام قویتری می‌کردند.

همه ی ملت‌ها هم می‌توانند در اثرگذاری بر این قضیه، تأثیر داشته و در آن شرکت داشته باشند. همه ی ملت‌های مسلمان می‌توانند کمک کنند. کمک مالی به فلسطینیها، مخصوص به

دولتها نیست که فلان دولت بگوید آقا! من ده میلیون دلار، بیست میلیون دلار، پنجاه میلیون دلار داده‌ام، معلوم هم نیست کجا داده‌اند، چه جوری داده‌اند، به کی داده‌اند. امروز ملت فلسطین محتاج غذاست، محتاج داروست. ملت فلسطین گدا نیست، آقااست، اما زیر سلطه ی دشمن است. همه موظفند به او کمک کنند. فرض بفرمایید اگر همه ی دنیای اسلام - در کشور ما کشورهای دیگر - هر فردی از افراد مردم فقط هزار تومان به مردم فلسطین کمک کند، ببینید چه اتفاقی می‌افتد. یک میلیارد هزار تومان، چه تأثیری در مردم فلسطین و زندگی مردم فلسطین می‌گذارد.

هر خانواده ای به عدد افراد خانواده، هر کدام هزار تومان در این کار خیر سهیم بشوند - حداقلش این است؛ هر کس هم خواست بیشتر بدهد، بیشتر بدهد - و این را به ملت فلسطین برسانند؛ وادار کنند. برایشان آذوقه، دارو، امکانات، هر چه که برای ایستادگی و مقاومت لازم دارند، برایشان تهیه کنند و بفرستند. این کار را ملت‌ها می‌توانند بکنند. دیگر احتیاج نباشد که فلان دولت بگوید من فلان قدر می‌دهم. حالا چقدر می‌دهد، چه جور می‌دهد، آیا می‌دهد یا نمی‌دهد، بعد هم مورد تهدید یک قدرتی قرار بگیرد. نه، ملت‌ها در این جهت سهیم بشوند؛ با ملت‌ها چه کار می‌توانند بکنند؟ در کشور ما اگر مردم ما دوست داشته باشند این کار را بکنند، می‌توانند همین هزار تومانها را در همین مراکز امدادی مثل: هلال احمر و کمیته ی امداد و این مجامع امدادی که هست جمع کنند، یک ثروت مفصلی می‌شود، می‌تواند یک کمکی به مردم فلسطین بکند. و بالاتر از کمک مادی، کمک معنوی است؛ چرا که فلسطینیان احساس می‌کنند که دل ملت‌ها با آنهاست.

این تظاهراتی که این روزها در دنیای اسلام اتفاق افتاد، خیلی باارزش بود. این حرکتی که امروز شما می‌خواهید بکنید و تا میدان فلسطین و مقابل سفارت فلسطین راهپیمایی کنید، بسیار کار باارزشی است. اینها، خیلی ارزش دارد. اینها، خبرش منعکس می‌شود. مردم مظلوم فلسطین احساس می‌کنند که ملت‌ها پشت سر اینهاستند. البته، ملت ما که - بحمدالله - در این زمینه ها هیچ وقت کم نگذاشته است. هر وقت که برای این قضیه فراخوانده شده، حضور پیدا کرده و اعلام موضع کرده است. و بالاخره، مجامع جهانی، سازمان ملل باید فعال بشود. این مجامع حقوق بشر که همیشه یا غالباً در خدمت هدفهای استکباری اند، اینها ولو یک بار هم شده، برخلاف خواسته ی دستگاههای استکباری، به نفع ملت‌ها وارد بشوند. افکار عمومی را در دنیا به خودشان متوجه کنند، ظالم و متجاوز را محکوم و ملت مظلوم فلسطین را تأیید کنند.

اگر این فشارها انجام بگیرد، آن طرح ایران در مورد فلسطین عملی خواهد بود؛ متجاوز مجبور خواهد شد. اگر دولتهای عربی، دولتهای اسلامی، ملت‌های مسلمان، مجامع جهانی، همه در این راه فعال بشوند، آن کار، عملی است. هرکسی که در این زمینه کوتاهی بکند، مسلماً در نظر ملت‌ها، در نظر تاریخ، و بالاتر از همه در پیشگاه خداوند متعال مؤاخذ است، مسئول است؛ همه وظیفه داریم.